

صحيفة الحسن عليه السلام

[281] وما از بهترین درختی هستیم که شاخه های بارور و میوه های پاکیزه و بدنهای بر جا مانده ای را رویانید، در آن اصل اسلام و علم نبوت است، آنگاه که جای افتخار رسید برتر گردیده، و آنگاه که از برتر شدن ما جلوگیری شد ما طلب برتری نمودیم، و ما دریاهای عمیقی هستیم که تهی از آن نگردیده، و کوههای محکمی هستیم که مغلوب نمی گردیم. در این هنگام مروان بن حکم و مغیره بن شعبه سخن گفتند و او و پدرش را کم ارزش جلوه دادند، امام حسن علیه السلام سخن گفت و فرمود: ای مروان ! آیا از ترس و خواری وضعف و عجز سخن می گویی، گمان کردی که خود را ستودم در حالیکه پسر پیامبر خدایم، و مقامم را بالا بردم در حالیکه سرور جوانان اهل بهشتم، وای بر کسی که فخر می فروشد و تکبر می کند تا خود را برتر جلوه دهد، و کسی خود را بزرگ می نمایاند و قصد گردن فرازی دارد، اما ما خاندان رحمت و جایگاه کرامت و بزرگواری، و موضع خیر و نیکی، و معدن ایمان، و نیزه اسلام، و شمشیر دین هستیم. مادرت به عزایت بنشیند چرا سکوت نمی کنی قبل از آنکه امور هولناک را به سویت بفرستم و بیان دارم، و تو را به نشانه ای بنمایانم که از نامت بی نیاز شوی، اما بازگشتت با غارت آیا در روزی بود که ناداری را سرپرستی کرده، و ترسوئی را پناه دادی، بهره و غنیمتت فرارت بود
